

ترجمہ و شرح

کتاب الحکمة

الحی المدین، ابن عربی

علی شاپریان ناظر

www.ketab.ir

سرشناسه: شالچین ناصر، علی، ۱۳۴۹-

عنوان قراردادی: حكمة الحکمة فارسی-عربی شرح
عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و شرح کتاب الحکمة/ تالیف محی الدین ابن عربی؛
علی شالچیان ناظر.

مشخصات نشر: تهران: سلوک ما، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۴۲۷ ص؛ ۵/۲۱/۴ م.

شابک: 978-622-953243-0

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر "حکمة الحکمة" کتاب محی الدین ابن عربی
است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق. الحکمة الحکمة -- نقد و
تفسیر

موضوع: عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Mysticism -- Early works to 20th century

موضوع: تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Sufism -- Early works to 20th century

شناسه افزوده: ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق. الحکمة الحکمة
شرح

رده بندی کنگره: BP ۲۸۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۶۴۹۹۸۷۲



انتشارات
سلوک ما

نشانی ناشر: خیابان انقلاب، خیابان نامجو، پلاک ۳۶۵، واحد ۳.

تلفن: ۰۹۳۳۲۴۲۷۵۲۷ و ۷۷۵ ۴۱۷۵

پست الکترونیک: Solouke_ma@yahoo.com

نام کتاب: ترجمه شرح کتاب الحکمة

پدیدآور: محی الدین، ابن عربی

ترجمه و شرح: علی شالچیان ناظر

طراح جلد: ونوس نجومی

ناشر: سلوک ما

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: 978-622-95324-3-0

قیمت: ۷۵۰۰۰۰ ریال

تمام حقوق نشر محفوظ است.

فهرست

۷.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	حکمت‌ها.....
۲۷۱.....	تعریف‌هایی از بررسی تعبیر اصلی.....
۲۸۵.....	نکته‌های الهام‌گونه.....
۳۵۷.....	فهرست منابع.....
۳۸۱.....	نمایه.....
۳۹۵.....	متن عربی کتاب الحکمة (کتاب الحکم).....

پیشگفتار

به نام حضرت حق قیوم

کتابی که پیش روی خواننده گرامی و محترم است ترجمه و شرح یکی از آثار شیخ اکبر، محی الدین ابن عربی، است که در منابع از آن، با نام‌ها و

این لقب را برخی به صورت "محیی الدین" و با خط به صورت "محی الدین" می‌نگارند. هر چند از منظر قواعد ادبیات، رسم الخط محیی بدین صحیح است؛ اما قواعد نگارش، اموری جعلی و اعتباری اند؛ و نگارنده، بر اساس چند وجه و اعتبار، رسم الخط دوم (محی الدین) را ترجیح داده است که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف- نگارش محی الدین به ضم میم و تخفیف یاء مکسر بدون نگارش یاء دوم) از منظر عرفانی، اشاره به این نکته دارد که محی الدین جامع اسم ظاهر و باطن حضرت حق است؛ یعنی علاوه بر اینکه ظاهر است، باطن هم هست؛ به بیان ساده‌تر، هم سور که یاء دوم در محی الدین پنهان است باطن محی الدین نیز با وجود اینکه پیوسته در حال آشکار شدن است، هرگز به طور تمام و کمال، آشکار نمی‌شود؛ و خلاصه اینکه، محی الدین به عنوان یک ساحت پدیده‌ای ندارد.

ب- قونوی، فرزند خوانده محی الدین، در کتاب "شرح الأربعین حدیثاً" و در "الفکوک" لقب محی الدین را با یک یاء ثبت کرده است. (شرح الأربعین حدیثاً، ص ۱۲۵؛ و الفکوک، ص

ترجمه و شرح کتاب الحکمة

تعابیر کتاب الحکمة، و رسالۀ فی الحکمة، و کتاب الحکمة المحبوبة، و الحکمة الحاثمیه، و الحکم الحاثمیه^۱، و کتاب الحکم، و الکلمات الجاریه علی النسخه الصوفیه، و کتاب الدال، و ... یاد می شود.

همان طور که در آغاز کتاب به آن تصریح شده است، این کتاب مشتمل بر حکمت های الهی است که از آن ها در سلوک بهره برده می شود و بر زبان اهل سلوک، جاری است. کسی که با شخصیت محی الدین و با روش کار او آشناست به خوبی می داند که محی الدین قصد ندارد که فقط بر اساس دیدگاه توده اهل سلوک و بدون توجه به دیدگاه های خویش، آن حکمت ها و آموزه ها

ج- این رسم الخط آثار به سه معانی مختلفی است و با شخصیت چند بعدی حضرت محی الدین و تأویل های گوناگونش تناسب دارد. اگر بخواهیم روش تأویلی محی الدین را در مورد لقب وی نیز به کار بگیریم، باید بگویم که محی الدین به ضم میم، به معنای زنده کننده دین است و محی الدین به فتح میم، به معنای پاک کننده و از بین برنده دین؛ و به اعتباری، هر دو معنا در مورد محی الدین صادق است زیرا محی الدین با عرضه معارف قدسی خویش از یک سو، دین و راه و روش های شایسته و بی آلاشی را - بیات خشید؛ و از سوی دیگر، پرده از روی دیدگاه های موهوم و عادت های متعصبانه و غلط برداشت و انقیاد های تابع و با شیوه های غلط را مورد تخطئه قرار داد.

لازم به توضیح است که همان طور که محی الدین در فصل سلوک تصریح کرده است، واژه دین در معانی متعددی از جمله عادت، و تسبیم، و انقیاد (فرمان برداری) به کار می رود. در اینجا، ذکر این نکته خالی از فایده نیست که محی به فتح میم در اصل، به کار است؛ اما در زبان عربی گاهی مصدر در معنای مصدری و گاهی در معنای اسم فاعل و گاهی در معنای اسم مفعول به کار می رود؛ و در صورتی که در نگاه تأویلی، محی الدین را به فتح میم در نظر بگیریم، "محی" در معنای ماحی (اسم فاعل از ثلاثی مجرد) است.

^۱ از این رو، این کتاب را الحکم الحاثمیه و الحکمة الحاثمیه می گویند که تسبب محی الدین به حاتم طایی می رسد. محی الدین در برخی عبارت هایش، به این موضوع اشاره کرده است.

رک: الفتوحات المکیه، ج ۲، ص ۵۴۹ و ۶۲۶

را به مخاطبان خود عرضه کند. قطعاً او در پس ظاهر این عبارت‌ها و واژگان، معانی خاصی خود و دیدگاه‌های خاصی خود را در نظر دارد. پس هرگاه که ظاهر سخنان او شبیه به دیگران باشد لزوماً به این معنا نیست که مقصود او از این کلمات، همان چیزی است که دیگران در نظر دارند. به عنوان مثال، بسیاری از سالکان گفته‌اند که حال فرد در آنچه به او می‌رسد اثرگذار است و محی الدین نیز در ظاهر، همین را می‌گوید؛ اما او در برخی از عبارت‌های خویش، تصریح می‌کند که دیدگاه او با دیگران فرق دارد و از نظر او، حال عین ثابتۀ فرد است که در آنچه به او می‌رسد تأثیر دارد.^۱

نگارنده تلاش کرده است که در شرح مطالب کتاب، دیدگاه‌های محی الدین را درباره سالکانی که در میان اهل سلوک رایج است با استناد به آثارش، ارائه دهد و به مخاطبان بهیم بفهماند که فاصله و فرقی‌های قابل توجهی میان معانی مورد نظر محی الدین و بسیاری از اهل سلوک وجود دارد و همین فرقی‌ها سبب شده است که به درستی، از او به شیخ اکبر و محی الدین و امام العارفین یاد شود.^۲

گرچه نگارنده در این کتاب، قصد تصحیح متن عربی این اثر شیخ اکبر را نداشته است؛ اما برای ترجمه و شرح این اثر، دو چاپ از این کتاب^۳ و یک

ر.ک: فصوص الحکم، ص ۸۲ و ۸۳ و ۱۴۷.

ر.ک: مجموعه رسائل ابن عربی (سه جلدی)، ج ۱، کتاب الحکمة الاثمیه (کتاب الحکمة)، ص ۵۷۷؛ و الذرّ الثمین، اثر قاری بغدادی، ص ۸۰؛ و الإغبط، اثر مجدالدین خیرابادی، ص ۳۶۱؛ و خصوص النعم فی شرح فصوص الحکم، ص ۶ و ۴۳؛ و نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، ص ۱۸؛ و الکهف و الرقیم، ص ۱۹۳؛ و تعلیقات ملاصدرا بر حکمة الاشراق، ج ۴، ص ۴۳۰ و ۴۵۰.

یکی از چاپ‌های این کتاب همان است که به عنوان یکی از کتاب‌ها و رساله‌های مجموعه رسائل ابن عربی (سه جلدی)، در بیروت، با همکاری مشترک دارالمخجۀ البیضاء و

ترجمه و شرح کتاب الحکمة

نسخه خطی را مبنای دستیابی به اصل متنی عربی، قرار داده است و البته برای پی بردن به اشکالات این دو چاپ و آن نسخه خطی، به آثار محی الدین و همچنین به شرحی عربی از این کتاب، با نام "شرح جگم الشیخ الأكبر"، اثر حسن بن موسی بن عبدالله گردی بانی قادری دمشقی، مراجعه کرده است؛ و خواننده گرامی نتایج این بررسی را - چه در حیطه کلمات، و چه در حیطه معنی، - در نظر محی الدین - در این کتاب، ملاحظه خواهد کرد.

علی شالچیان ناظر

تهران - خرداد ۱۳۹۹ شمسی

"دارالرسول الأکرم"، در سال ۱۴۲۱ق، منتشر شده است و در ج ۱، ص ۵۷۵ قرار دارد. چاپ دیگری از این کتاب به ضمیمه کتاب "الواضح المنهاج فی نظم ما لنتاج" اثر احمد بن عطاء الله اسکندری (سکندری) و به ضمیمه کتاب "نفائس العرفان"، در بیروت، به اهتمام انتشارات دارالکتب العلمیة، در سال ۱۴۲۵ق، منتشر شده است.